

پاس میراث

پاسداری از میراث فرهنگی به عهده همه مردم است

دکتر فریدون آزاده تفرشی

این وطن، مصر و عراق و شام نیست
این وطن جایی است کورا نام نیست
(مولانا)

این روزها از طریق رسانه‌ها و افراد دلسوز، سخن از میراث فرهنگی و حفظ و نگهداری از این میراث است و با توجه به اهمیت آن، ۲۸ اردیبهشت را روز جهانی موزه و میراث فرهنگی نام نهاده‌اند و با درج اطلاعاتی در روزنامه‌ها و دعوت از کارشناسان در میزگردها، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌ها، متولیان امور، عموم مردم را نسبت به این موضوع مهم که با هویت ملی و تاریخی ما سر و کار دارد، آگاه می‌کنند تا کشور ایران، این سرزمین تمدن و آگاهی و میراث با ارزش آن بیش از این دستخوش رخدادهای ناگوار و بی‌مهری‌ها قرار نگیرد و مبادا روزی رسد که دیگران برای حفظ این سرزمین باستانی و مهد تمدن بشری، بیشتر از ما احساس مسئولیت کنند. بی‌توجهی و تاراج میراث فرهنگی، آثار تاریخی و باستانی حرف امروز و دیروز نیست؛ رنج‌نامه این مرز و بوم است که گذشتگان نیز از این بی‌تفاوتی گله داشتند و صبر و حوصله آنها از این بیداد به درد می‌آمد و از سر دلسوزی و تعصب به ایران و ایرانی بودن، با وسواس و دقت زیاد این مباحث را مطرح می‌کردند و به اطلاع مسئولین می‌رساندند. ولی دریغ و درد که گوش شنوایی نبود. «میراث بر جای مانده از نیاکان که می‌گویند می‌توان با آن امورات جاری را به جای پول حاصل از هیدروکربورها سر و سامان داد، در شرایط اسف باری است؛ یادریز خروارها خاک پنهان مانده است و یادریز باد و باران فرسایش طبیعی و تدریجی خود را طی می‌کنند. منتهمی با این تفاوت که خواب‌آلودگی چشمان غفلت زده نسل گذشته و حال، فضای بکری را برای دزدان مهیا کرده است تا بتوانند از پیکره این سرزمین کهن بکاهند و با دله دزدی‌های خود بر ثروت خود بیافزایند و سازمان میراث

فرهنگی ترجیح می‌دهد که لاک و موم کشفیات خود را که در مخزن موزه ملی تلنبار شده است و به ۱۵۰ هزار شیء سر می‌زند باز نکند و نیز از مناطق بسیاری که دریافته‌اند در صورت کاوش به کشفیات تازه‌ای نائل خواهند شد، فعلاً سراغی نگیرند که مخزن به اندازه کافی برای تلنبار شدن وجود ندارد.»^(۱)

علامه محمد قزوینی (۱۲۵۶-۱۳۲۸) نیز که خود یکی از دلسوزان حوزه فرهنگ و کارهای ماندگار او دست‌مایه پژوهش و تحقیق علاقمندان به این حوزه است، از سرقت و خروج نسخه‌های خطی و آثار عتیقه نگران بود و در همین راستا و در ایام اقامت خود در پاریس در سال ۱۳۰۱ ش. که از نزدیک شاهد این حوادث غم‌انگیز بود، نامه‌ای به حسن اسفندیازی وزیر وقت معارف و صنایع مستظرفه می‌نویسد و او را از این رخداد مهم و نگران‌کننده آگاه می‌کند تا شاید قبل از وقوع حادثه، پیشگیری صورت گیرد.

«... وزیر مذکور هم از اوضاع نابسامان ایران آن روز شکایت و گلایه‌مندی خود را در دو رساله کشف حقیقت و علل بدبختی ما و علاج آن مجال طرح داده است. و به مناسبت در ضمن رساله کشف حقیقت که در صفر ۱۳۴۲/۱۳۰۲ در تهران در ۳۴ صفحه انتشار داده، آنجا که از وضعیت کتابخانه معارف که بعدها به کتابخانه ملی تغییر نام داد، مذکور ساخته است، بدین بیان و اشارت که: از آنجا که صادرات اشیای نفیسه علمی را قدغن کرده بودم، البته مقتضی بود که محلی در دست باشد که اگر کسی نخواهد جنس خود را به خارج بفروشد، محروم از معامله داخلی نباشد. همچنین برای خرید کتاب که بهترین تزیین کتابخانه و حفظ یک تعداد آثار قدیم است و هیچ در بودجه سابق منظور نبود، مبلغی مهیا باشد، لهذا سه هزار تومان از تصویب مجلس گذرانیدم و با اتمام مبلغ برای کتابخانه ملی کتبی خرید شد که به تقویم اهل خبره، زیاد از دو مقابل قیمت خریداری ارزش دارد و کتاب‌ها در کتابخانه حاضر و ان شاء... تعالی اشخاصی که از آنها استفاده خواهند کرد، به مغرضین و کذابین لعنت خواهند فرستاد. و معلوم است کسانی که مایلند هر چه ایران دارد به خارج برود، دوست ندارند که خود ایران هم از وسایل گران‌بهای خود بهره‌مند باشد. این است که هر خدمتی را جز خیانت معرفی نمی‌نمایند و مسلم است که وقتی از کتابفروشی، به صرفه دولت با همه دقت، جنسی خریداری شده و یک سال و نیم او را دنبال طلبش



دوانیدند و بعد هم انواع اشکال را برای او فراهم کردند، چه غرضی هست جز این که: برو هر چه داری به خارجی‌ها بفروش که هم پول ترا بیشتر دهند و هم نقد بدهند و هم قدر بدانند و هم ترا تشویق نمایند که اگر باز کتاب و یا آثار علمی و صنعتی داشته باشی به آنها بفروشی. این هستیم ماها و آن هستند آنها! یک رقعہ که از جانب وحید عصر و فرید دهر آقای میرزا شیخ محمد خان قزوینی، که از مفاخر ایران هستند، از پاریس این ده روز رسیده بود، برای اطلاع آقایان در آخر همین رساله درج می‌کنیم تا خاطر محترمشان از بدبختی‌هایی که همه از آن غفلت داریم مستحضر باشد. (۲)

در بخشی از نامه شادروان محمد قزوینی در خروج غیر قانونی نسخه‌ها و آثار فرهنگی که از طرق مختلف توسط سودجویان به خارج از کشور رفته و به فروش میرسد یادآور می‌شود که:

«... آنها (دلایان آثار فرهنگی) بدون ادنی ملاحظه، این نسخه‌ها را با این صورت‌ها و تذهیب‌های نفیس که نتیجه زحمات چندین ساله بهترین نقاشان و خطاطان و مذهبیین ایران است، صورت‌ها و سرلوحه‌های آن کتاب‌ها را کنده و به تفرقه به قیمت‌های گزاف به اشخاص متمول جاهل می‌فروختند و بهترین آثار صنایع عجم به این طور قطعه قطعه و مثله و ناقص و معیوب شده از میان می‌روند. (۳)

نواقص قانون در برخورد با مجرمان میراث فرهنگی

همان گونه که پیداست ۸۰ سال پیش از این، موضوع میراث فرهنگی و حفظ و نگهداری آنها، دغدغه افراد دلسوز، حتی متولیان آگاه نیز بوده است و به همین جهت قانون حفظ و نگهداری آثار ملی مصوب ۱۲ آبان سال ۱۳۰۹، قانون حفظ آثار عتیقه مصوب سال ۱۳۱۱، قانون مجازات اسلامی و اصلاحات آن مصوب سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۷۵ در راستای همین دغدغه‌های و نیازها تهیه و تدوین شده است. اما بازنگری و تجدید نظر در قوانین با توجه به مصالح و منافع ملی می‌تواند روند تخریب و سرقت و قاچاق آثار فرهنگی را به حداقل برساند. «چنانچه در متن قانون قید شده است که حفاری در تپه‌ها و حرایم آثار «ثبت شده» تخلف است و مجازات دارد، در صورتی که سازمان میراث فرهنگی حتی در فهرست‌برداری از آثار اقدام مؤثری انجام نداده تا چه رسد به ثبت آنها در فهرست ملی کشور. با وجود این که ۱۲۰۰/۰۰۰ اثر باستانی و تاریخی در کشور شناسایی شده است در سازمان میراث فرهنگی تنها نزدیک به ۴۰۰۰ مورد آن به ثبت رسیده است. لذا مطابق با این قانون مأموران انتظامی مکلف به برخورد با متخلفین در مکان‌های ثبت شده یا حریم‌های آثاری است که ثبت آثار ملی رسیده باشند و در بسیاری موارد تکلیف نیروهای برخوردکننده با مجرمین و متخلفین در محوطه آثار ثبت نشده روشن نیست و با توجه به خطراتی از سوی باندهای قاچاق برای افراد نیروی انتظامی وجود دارد، یا به راحتی مأموران انتظامی از جرمی که شاهد آن هستند، چشم‌پوشی می‌کنند، یا مطابق

بند ۴ ماده واحده لایحه قانونی راجع به جلوگیری از حفاری‌های غیر مجاز مصوب سال ۱۳۸۵ اگر اثبات می‌شد که شخص به قصد خرید و فروش غیر مجاز اثر فرهنگی اقدام به حمل آن کرده است، مجرم شناخته شده و به حبس تأدیبی از ۶ ماه تا ۳ سال محکوم می‌گردید. چرا که در این ماده بیان شده بود، اشخاصی که اشیای مکشوفه را در «معرض» خرید و فروش بگذارند مجازات خواهند شد. ولی، با تغییر قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ و حذف واژه «به معرض» از متن ماده قانونی مذکور، امکان استناد ضابطین قوه قضائیه به این قانون برای جلب مجرمین از بین رفت. لذا باید صبر کرد تا معامله‌ای صورت گیرد یا مأمورین در حین انجام معامله به محل برسند و به این ترتیب امکان کشف جرم کم شده است. (۴)

از دیگر موارد، بازنگری قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۳۰۹ است که تا کنون در این مورد اقدامی صورت نگرفته است که از جمله نواقص آن، قید عبارت «اختتام دوره زندیه» در ماده ۱ این قانون مبدأ زمانی قرار گرفته است که باعث نوعی بی‌توجهی بر آثار ارزشمند دوره‌های بعد از زندیه به خصوص دوره قاجاریان است و همچنین قید عبارت «در مملکت ایران احداث شد.» برخی از آثار ملی را از مشمولیت قانون خارج کرده است (مانند غنایم، هدایای شاهان، آثار خریداری شده . . .) باشد، این نواقص در کلیه مواد این قانون کاملاً مشهود است. جهت اطلاعات بیشتر به گزارش توجیهی «بازبینی قانون حفظ آثار ملی مصوب سال ۱۳۰۹ و پیشنهاد اصلاح ماده ۱ قانون» مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی مراجعه کنید. به هر حال اهمیت منابع فرهنگی کشور به عنوان آثار فرهنگی و گنجینه‌های ملی بر کسی پوشیده نیست و نگرانی‌های ایجاد شده، بیانگر حساسیت موضوع است. اما گستردگی جغرافیایی و منطقه‌ای این گونه آثار فرهنگی و تاریخی، هزینه‌های بالای نگهداری و حفاظت، شناسایی و ثبت آثار فرهنگی، آموزش و تبلیغات و اطلاع‌رسانی، وجود قوانین قدیمی و غیر متناسب با شرایط کنونی، دستگاه‌های متعدد در مبارزه با قاچاق آثار و . . . از اموری هستند که بدون عزم و اراده ملی امری محال و غیر ممکن است.



«وقتی در اخبار جهانی از برابری درآمد حاصل از قاچاق آثار فرهنگی با درآمد قاچاق مواد مخدر آگاه می شویم و آن گاه متوجه می شویم که در داخل کشور آثار فرهنگی با قیمت نازل به خریداران خارجی آنها فروخته می شود و از طرفی آثار پس از خروج از مرز و ورود به بازارهای جهانی با ارزش واقعی خود معامله می شوند، متوجه می شویم که کشور ما در عین حال که بهترین منابع جبران ناپذیر هویت خود را از دست می دهد، به علاوه این منابع را با بهایی اندک به باندهای جهانی هبه می کند»^(۵)

هر دلسوزی به حال این ملت و هویت ملی و تاریخی خود حق دارد از خود دهها و صدها سؤال کند که وضعیت منابع و گنجینه های ملی به لحاظ حفاظت، ساماندهی و مدیریت چگونه است که این گونه مورد تعرض و غارت قرار گرفته و می گیرند. متأسفانه طرز تلقی جامعه ما از این گونه آثار به گونه ای است که چون آنها در ما یملک ما نیستند و نمی توانیم آنها را به سهولت معامله کنیم، هر بلایی به سر آنها بیاید، به قولی کک ما هم نمی گزد تا چه رسد که غصه آنها را بخوریم. رئیس سازمان میراث فرهنگی در خصوص میزان حساسیت عمومی از میراث فرهنگی و تاریخی کشور می گوید: «... این موضوع آن قدر غم انگیز است که اگر زمانی سازمان میراث فرهنگی تعطیل می شد، نود درصد مردم متوجه نمی شدند و هشت تا نه درصد از این موضوع خوشحال می شدند، چون سازمان را مانع از عمران کشور می دیدند و فقط یک درصد غصه می خوردند و غصه آنها نیز همانند غصه کسی است که خیر مرگ همسایه را شنیده باشد.»^(۶)

واقعاً چگونه است که برای خرید یک مایحتاج ضروری شخصی و خانوادگی صدها مغازه را زیر و رو می کنیم، انواع شیوه های رایج در معامله و خرید و فروش را به کار می بریم، از اعتقادات و باورهای دینی خود مایه می گذاریم و پس از خرید در حفاظت و نگهداری آن تلاش می کنیم و اخیراً نیز از انواع بیمه های سرقت، آتش سوزی، دبه و... استفاده می کنیم و چگونه است که قیمت یک شیء با ارزش خانوادگی را که ما ترک اجداد ما می یابند، برای آگاهی از قیمت واقعی آن از آگاهان و مطلعان امور سؤال می کنیم. و یا یک جواهر فروش در حفظ اموال خود که یک ثروت قابل محاسبه و در

مقیاس ملی، ارزش و بهای اندکی دارد، آن هم در یک مغازه چند متری برای جلوگیری از سرقت و دستبرد سارقان از انواع سیستم های حفاظتی و ایمنی و هشدار دهنده استفاده می کنید، ولی به میراث فرهنگی این مرز و بوم که قیمتی برای آنها متصور نیست و به قولی هویت تاریخی و فرهنگی ما محسوب می شود، اعتبار چندانی داده نمی شود و شیوه های نگهداری و حفاظت آنها چندان تطابقی با استانداردهای جهانی ندارد و از همه مهم تر شرایط استثنایی ایران نشان می دهد که تا چه اندازه به لحاظ زلزله خیز بودن و جغرافیای سیاسی منطقه در معرض آسیب های جدی است، ولی اقدامات مناسبی در این راه صورت نمی گیرد.

شاید بودجه مورد نظر برای سازمان میراث فرهنگی کشور در حدی نیست که بتواند در تمامی زمینه های مرتبط اعم از استخدام و بکارگیری نیروهای انسانی، حفظ و حراست از آثار، ایجاد بناهای مناسب و مطابق با استانداردهای جهانی و از همه مهم تر گسترش زمینه های تحقیق، آموزش و مرمت آثار فرهنگی را جوابگو باشد. البته این امر موجب نمی شود که عدم استفاده بهینه از امکانات موجود در سازمان را ناشی از فقدان اعتبارات مالی دانست که این موضوع خود مشکل مبتلا به تمامی سازمان های دولتی می باشد که باید فکر اساسی به حال آنها کرد.

چنانچه «کشور مصر که کمتر از ده درصد ایران آثار تاریخی دارد، سالانه در حدود ۵۰۰ میلیون دلار اعتبار برای فعالیت میراث فرهنگی در نظر می گیرد

و این اعتبار غیر از پروژه های مشترکی است که بین مصر و سایر کشورها صورت می گیرد.

کشور ترکیه در حدود یک پنجم ایران آثار تاریخی دارد ولی سالیانه ۲ میلیارد دلار اعتبار بدین منظور در نظر می گیرد، در حالی که این اعتبار برای ایران ۳۰ میلیون دلار است که با این مقدار نمی توان دو دهه کم توجهی را جبران و برای آینده میراث فرهنگی فکر اساسی کرد و با گذشت زمان و کم توجهی باید تاوان بسیار سنگین تری برای جبران این کاستیها بدهیم، برای مثال در تخت جمشید در محوطه شوش در حدود ۳۶۰ هکتار محوطه تاریخی وجود دارد. فرانسوی ها قبل از انقلاب طی صد سال، ۷ تا ۸ هکتار را حفاری کردند زیرا حفاری باستان شناسی علمی است و روند کند دارد. اگر قرار باشد محوطه شوش حفاری شود، ممکن است چند هزار سال طول بکشد، پس ما نمی توانیم زمان پایان پروژه ها را تعیین کنیم.

در حدود ۱۶۰۰ کارگاه مرمت در سازمان میراث فرهنگی وجود دارد که به تعبیری یعنی ۱۶۰۰ فرصت تحقیق و پژوهش و آموزش ولی کمبود اعتبارات از بزرگترین موانع تجهیز این کارگاهها می باشد.

در سازمان میراث فرهنگی ۲۹۰۰ پست سازمانی وجود دارد که ۱۷۰۰ پست آن اشغال شده است و ۱۲۰۰ پست خالی وجود دارد. چهل درصد کارکنان میراث فرهنگی بیش از ۲۵ سال سابقه دارند که باید به سرعت نیروی انسانی مورد نیاز را جذب زیر نظر این افراد با سابقه و مجرب آموزش های لازم را قبل از بازنشستگی ببینند.^(۷)



صنعت توریسم:

در مورد صنعت توریسم، این کلمه و عبارت در افکار عمومی و امنیت ملی کشور تعریف خاصی دارد و حضور توریست در ایران یک نوع تهدید فرهنگی محسوب می‌شود. بهمین جهت اتفاق نظری در این خصوص وجود ندارد و تصمیم گیرندگان این حوزه طیف وسیعی را شامل می‌شوند که در نهایت نوعی روحیه بی‌تفاوتی دامن گیر این صنعت پر درآمد برای کشور می‌شود. توریسم نه تنها تهدیدکننده امنیت ملی و فرهنگی نیست بلکه باعث تقویت آن می‌شود. توریست همان کسی است که ما می‌خواهیم و او آن متاعی را می‌خواهد که ما به وفور از آن داریم. آمدن توریست به ایران، یعنی مهم و ویژه بودن این سرزمین است. اما ایران سخت‌ترین ویزا را دارد و این تصویر مناسبی در افکار عمومی ندارد، ما آمادگی پذیرش توریست را به لحاظ ذهنی نداریم.

«... وقتی سالانه ۲/۵ میلیون نفر توریست به مصر می‌رود، یعنی امنیت وجود دارد اگر کشور ما، کشور جذابی برای سرمایه‌گذاری است باید امن باشد. اگر توریست باشد، امن بودن آن تضمین شده است و آمدن سرمایه صورت می‌گیرد. توریستی که برای دیدن ما می‌آید با آداب و رسوم ما کار دارد، پس سرمایه‌گذاری باید در همان قسمت صورت گیرد تا فرهنگ ما را نشان دهد. توریست برای دیدن هتل ۵ ستاره به ایران نمی‌آید، ذبی باید هتل بسازد چون نه کسی برای شناساندن دارد نه جایی»^(۸) اقبالی که از موزه‌ها و گنجینه‌های ما می‌شود، بر خلاف آنچه که در کشورهای پر رونق توریستی صورت می‌گیرد، بیانگر این است که مدیریت موزه‌ها در ایران ضعف‌های جدی ساختاری دارند و در یک چرخه بسته و تکراری در انتظار بودجه سالیانه دولت به سر می‌برند تا از این رهگذر و آب باریکه حقوق پرسنل خود را پرداخت کنند.

کشوری با این عظمت ۱۴۰ موزه دارد که وضعیت آنها به لحاظ ساختمانی، فضا سازی، نگهداری و حفاظت جای بحث و تامل دارد و این در حالی است که در کشورهایی چون استرالیا که چندان آثار تاریخی ندارد، هزاران موزه برای جهانگردان خود برنامه‌ریزی می‌کنند.

در تفکر بین‌المللی به موزه به عنوان محلی برای

قابلیت‌های بالای درآمدزایی نگریسته می‌شود. این واحدها یک حلقه مهم از زنجیره توسعه گردشگری هستند. در فضا سازی موزه‌ها آن قدر جذابیت ایجاد می‌کنند که مخاطب در هنگام خروج احساس دوپینگ می‌کند. در ایالت « لمبور » مکزیک، موزه‌هایی وجود دارد که هر سال ۲ میلیون جهانگرد از آن دیدن می‌کنند. ویژگی این موزه چنان است که در فضای آزاد، نمونه روستاهای سده ۱۲ میلادی را به شیوه ماهرانه بازسازی کرده‌اند که در آن، مزارع، طولیله‌ها، انبارهای غله و آسیاب‌های بادی انسان را به همان دوران می‌برد. موزه « مادام تسو » در انگلستان، انسان را دقیقاً از فضای انقلاب فرانسه به جنگ جهان دوم و در نهایت به اوایل قرن ۲۱ می‌برد و بدین ترتیب به شیوه‌ای کاملاً جذاب در عرض نیم ساعت به شما می‌آموزد که توالی تاریخ چه فراز و نشیبی را در اروپا طی کرده است و یا موزه « دایناسورها » در این کشور که برای داخل شدن باید مدت‌ها در صف انتظار ماند.

« در کشوری چون ترکیه که یک پنجم ایران آثار باستانی و تاریخی دارد رقم درآمدهای حاصل از توریسم از عدد ۱۰ میلیارد دلار گذشته است. و ذبی و سرزمین‌های کوچک پیرامون ایران با بلند پروازی صحبت از میلیاردها دلار درآمد سالانه جهانگردی می‌کنند. آن وقت ما صحبت از یک میلیارد می‌کنیم. برای کشوری با وسعت ۱۶۴۸۰۰۰ کیلومتر مربع و با حدود پنجاه هزار نقطه توریستی و با سابقه تمدنی و تاریخی سه هزار سال جای بسی شگفتی و تعجب است. همه کشورها برای معرفی نقاط جهانگرد پذیر خود جهت کسب درآمد در تلاش‌اند و ما خفته در خواب شیرین درآمدهای حاصل از نفت که روزی تمام خواهد شد، گهگاه چرتمان پاره می‌شود که آیا بهای یک بشکه نفت بالا خواهد رفت یا !! »^(۹)

« در سال ۱۳۷۳ موزه هنرهای تزئینی در تهران تعطیل می‌شود و ۵۰۳۴ قلم شیء نفیس مثل گوشت قربانی به ۱۴ واحد این سازمان انتقال می‌یابد و پس از گذشت مدتی، خبردار می‌شوند که وضعیت ۱۶۰ تابلوی نفیس نامعلوم است و پرونده‌ای از این موضوع در محاکم قضایی شکل می‌گیرد. گزارشی از خروج ۲۶۰ تابلوی نفیس از موزه هنرهای زیبا در دست است که به بهانه کار کارشناسی از کشور

خارج شده است و دیگر هیچ گاه برنگشته‌اند.»^(۱۰) وضعیت پاسداری از میراث فرهنگی کشور نیز از جمله موضوعات بسیار مهم است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. قبل از انقلاب اسلامی گروهی با نام گارد حفاظتی و در حدود ۸۰۰ نفر در اداره کل باستان‌شناسی مستقر بودند که مطابق با قوانین ژاندارمری سابق آموزش می‌دیدند و دارای لباس یک شکلی بودند، ولی بعد از انقلاب اسلامی نه تنها به تعداد آنها افزوده نشد، بلکه بسیاری از آنها بازنشسته شدند و تعداد این جمعیت رو به کاهش نهاد. در حال حاضر تعداد پاسداران میراث فرهنگی با بهره‌گیری از نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران (ناجا) شامل ۲۷۹ نفر مراقب آثار تاریخی که پرسنل رسمی « ناجا » و همگی غیر مسلح و کم آموزش دیده هستند، ۱۸۹ نفر درجه‌دار و ۳۱۹ نفر سربازان وظیفه نیروی انتظامی تشکیل می‌دهند که در حدود نیمی از این جمعیت هستند. بحث در این خصوص داستان مفصلی است که از حوصله این گفتار خارج است. فقط همین که در شهری چون یزد با ۷۳۰ بنا و مکان تاریخی تنها ۲ نفر پاسدار میراث فرهنگی دارد، تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل (به گزارش شماره ۶۳۸۴ مرکز پژوهش مجلس شورای اسلامی مراجعه کنید)

توریسم و ناوگان حمل و نقل:

یکی از شاخص‌های جهانی که بیانگر میزان حضور جهانگردان در یک کشور محسوب می‌شوند شرکت‌های حمل و نقل و هواپیمایی هستند. بعنوان مثال پرواز شرکت‌های هواپیمایی میان سوئیس و سایر کشورها از جمله خاورمیانه همچنان رو به افزایش است و شرکت‌های هواپیمایی این کشور اعلام کرده‌اند که آمار، فراتر از انتظار آنها بوده است. این شرکتها با سازمان گردشگری سوئیس همکاری نزدیک دارند و معتقد هستند که کشورشان می‌تواند فراتر از تفریگاهی تابستانی باشد و می‌خواهند در مورد جاذبه‌های پائیزی، زمستانی، چشمه‌های آب معدنی و ... برنامه‌ریزی کنند. از طرفی به لطف و همت سامانه‌های حمل و نقل سوئیس به مقصد تمامی جاذبه‌های مهم و گردشگری، خدمات ریلی، کشتیرانی و اتوبوسرانی ارائه می‌کند. اما شرکت‌های

هوایمایی ما که با تمام تلاش سعی دارند از این ناوگان فرسوده هوایی نهایت استفاده و بهره‌برداری را داشته باشند چگونه می‌توان از آنها انتظار بیش از توان آنها داشت. همین که توان جا به جایی مسافران داخلی را با پروازهای تأخیری انجام می‌دهند و آنها را به مقصد می‌رسانند، خود کار بزرگی است ولی با هشدارهایی که وزیر راه و ترابری و کارشناسان در مورد فرسودگی ناوگان هوایی داده‌اند، انعکاس این اخبار در رسانه‌های خارجی چه بازتابی خواهد داشت؟ جز این که اندک علاقمندان و مشتاقان میراث فرهنگی این سرزمین ۷ هزار ساله که حکایت از منابع سرشار آن می‌کند تا آنجا که در سال ۱۳۵۷ در حدود ۳۰ گروه حفار خارجی در ایران مشغول به کار بودند، با حسرت و اندوه از حضور در این سرزمین کهن محروم می‌شوند و ...

به قول رئیس سازمان میراث فرهنگی، صحبت از میراث فرهنگی، صحبت از اقیانوسی است که نه ابعاد آن را می‌دانیم و نه طول آن را.

راستی به کدامین علل، میراث فرهنگی کشور تا این اندازه دچار کم لطفی و بی‌مهری شده است.

- آیا ضعف اقتصادی مردم مناطقی که بیشترین آمار سرقت و حفاری‌های غیر مجاز مربوط به آنها است.

- سودآوری شگفت‌آور تجارت اموال فرهنگی

- ضعف سیستم‌های حفاظتی و امنیتی

- عدم آشنایی کامل از آثار فرهنگی و ثبت آنها

توسط سازمان میراث فرهنگی

- عدم وجود مجازات‌های سنگین و قابل اجرا

در متن قوانین

- ضعف سیستم کشف جرائم

- عدم اهتمام مسئولین به یافتن شیوه‌هایی که

مردم را علاقمند و قادر به حمایت و حفاظت آثار کند، به جای آنکه تشویق به پیوستن به باندهای قاچاق شوند.

- و دهها دلیل دیگر

شاید درخواست ۱۸۵ نفر از روزنامه‌نگاران کشور از ریاست محترم جمهوری برای جلوگیری از نابودی میراث فرهنگی با این عنوان که: **سوگند یاد کرده‌اید که پاسدار فرهنگ ایران زمین باشید** بتواند به دغدغه‌های دلسوزان پاسخ دهد: ^(۱۱)

جناب آقای سید محمد خاتمی رئیس محترم

جمهوری اسلامی ایران

سلام و درود ما را پذیرا باشید. اکنون مدتی است که خبرهای ناگواری از تخریب میراث فرهنگی ایران در نقاط مختلف کشور به گوش می‌رسد. بر مبنای این اخبار که حتی گاهی در رسانه‌های بیگانه نیز بازتاب گسترده‌ای یافته و در پاره‌ای موارد انتقاد و اعتراض سازمان جهانی یونسکو را در پی داشته است، آثار و بافت تاریخی شهرهای کهن که بازتابنده حیات فردی و اجتماعی ایرانیان در بیش از ۳۰ قرن تاریخ پرشکوهشان است، به شکل گسترده‌ای مورد هجوم و آسیب قرار گرفته. خصوصاً در شهر اصفهان که آینه تمام‌نمای فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی است، این هجوم از شدت بیشتری برخوردار است و ساخت و سازهای بی‌رویه و ناهمگون با بافت تاریخی شهر و نیز بلندمرتبه‌سازی‌های غیر مجاز در حریم آثار تاریخی، یادگارهای چندصدساله اصفهان را که به طور معجزه‌آسایی از حوادث ویرانگر گذشته مصون مانده‌اند، در معرض نابودی قرار داده است. نیز روند رو به رشد صنعتی شدن این شهر، آلودگی شدید زیست محیطی و آسیب‌های جبران‌ناپذیر به بناهای تاریخی را از پی آورده و میراث فرهنگی و طبیعی را به شکل توأمان به مرز بحران رسانده است.

ما روزنامه‌نگاران در راستای وظیفه اطلاع‌رسانی خود و آگاه ساختن افکار عمومی از آنچه در کشور می‌گذرد، تا آنجا که در توان داشته‌ایم، کوشیده‌ایم

تا شهروندان و مدیران کشور را نسبت به آسیب‌هایی که بر میراث فرهنگی وارد می‌آید و تبعات دهشتناک و جبران‌ناپذیر آن توجه دهیم، لیکن متأسفانه علی‌رغم انگیزش و نارضایتی افکار عمومی و حتی اعتراض نمایندگان منتخب مردم در مجلس شورای اسلامی، تاکنون توجهی به هشدارها نشده و اقدام مؤثری برای جلوگیری از این فاجعه ملی صورت نپذیرفته است و هدم میراث فرهنگی کشور به شکل فزاینده‌ای ادامه دارد.

بسی مایه تأسف است که گفته شود براساس شواهد و قراین بسیار، نقش برخی سازمان‌های دولتی در این روند خطرناک انکارناپذیر است. چنین می‌نماید که برنامه‌ریزان و مدیران ارشد دولتی که مانند تمام شهروندان ایرانی دلسوز و علاقه‌مند به یادگارهای فرهنگی ایران هستند، در چالش میان نوین‌سازی و ضرورت صیانت از میراث فرهنگی، نتوانسته‌اند تعادل مطلوبی را برقرار سازند و ناخواسته بسیاری از محوطه‌ها و آثار تاریخی کشور را قربانی پیشبرد پروژه‌های عمرانی ساخته‌اند. همچنین ناهماهنگی‌های موجود میان سازمانهای مختلف متولی امور شهری، مانع از اجماع و توافق بر سر مسأله میراث فرهنگی و ضرورت حفاظت از آن شده است. این وضعیت به نوبه خود موجب گردیده تا افراد و گروه‌هایی که منافع خود را در گرو تخریب آثار تاریخی می‌دانند، فضا را برای اقدام‌های غیر قانونی مناسب و مهیا ببینند.

رتال جامع علوم انسانی



از این رو، بر این باوریم که در شرایط کنونی، تدوین و اعلام راهبردی جامع و شفاف برای تبیین جایگاه میراث فرهنگی در کشور و تعیین چارچوبهایی که در قالب آن می‌توان برنامه‌های نوسازی را به پیش برد، ضرورتی تام و تمام دارد. جناب آقای خاتمی!

شما در مقام رئیس جمهوری اسلامی ایران، سوگند یاد کرده‌اید که پاسدار فرهنگ ایران زمین باشید، از این گذشته شما نظریه پرداز گفت‌وگوی تمدن‌ها هستید و جهان احترام و پذیرش خود را نسبت به ایده شما ابراز داشته است. اکنون ارزشمندترین یادگارهایی که نشان از دیرپایی و شکوه سرزمین ما دارد و آنچه می‌تواند دستمایه‌ای برای گفت‌وگویمان با جهانیان و ملت‌های صاحب تمدن باشد، در معرض آسیب جدی و فوری قرار دارد.

از شما می‌خواهیم با هر شیوه‌ای که مناسب می‌دانید به ناهماهنگی‌های موجود در دستگاه اجرایی کشور در موضوع میراث فرهنگی پایان دهید و از سوی هیأت دولت لویحی را برای برطرف ساختن خلأهای موجود در این حوزه به مجلس شورای اسلامی ارائه دهید.

از شما می‌خواهیم تا مدیران ارشد دولتی را به ضرورت حفاظت از آثار تاریخی کشور و اختصاص امکانات و اعتبارات بیشتر به آن توجه دهید.

از شما به عنوان فردی که همواره مروج و مشوق مشارکت مردم در اداره کشور بوده‌اید، می‌خواهیم تا زمینه مشارکت مردم در پاسداری از میراث ملی خود را فراهم آورید و سازمان‌های مسؤول در این حوزه را متقاعد سازید که بیش از این بر تولیت همه امور به دست خود - که به منزله چشم‌پوشی از توان

عظیم مردم است - اصرار نورزند و راه را برای مشارکت واقعی مردم در حوزه تصدی میراث فرهنگی بگشایند.

توفیق روزافزون شما را در خدمت به ساحت معنوی فرهنگ ایران زمین از درگاه ایزد یکتا خواستاریم.

گروهی از روزنامه‌نگاران کشور ۸۲/۲/۲۷ خوشبختانه با پی‌گیری خبرنگاران روزنامه ایران، جناب آقای سید محمد خاتمی ریاست محترم جمهوری در ذیل نامه روزنامه‌نگاران با ذکر این نکته که: «هشدار و تذکر بسیار درستی است» به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و معاونت حقوقی ریاست جمهوری دستور داده‌اند تا «سریعاً دست به کار شوند» و موضوع را مورد بررسی قرار دهند.^(۱۳)



یادداشت‌ها:

- ۱- ذرقانی، همایون، لطفاً این فراموشخانه را فراموش نفرمایید، مجله صنعت حمل و نقل (پائیز ۱۳۸۱) ش ۲۱۹ ص ۶
- ۲- مطلبی کاشانی، نادر. خروج نسخه‌های خطی از ایران. نامه بهارستان (بهار. تابستان ۱۳۸۱) ش ۵، ص ۴
- ۳- نامه محمد قزوینی به وزیر وقت معارف و صنایع مستظرفه، ۹ ذی‌الحجه ۱۳۴۱ - همان، ص ۵
- ۴- گزارش بررسی وضعیت قاجاق آثار فرهنگی در کشور، قوانین و روش‌های اجرایی. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کمیته میراث فرهنگی (اسفند ۱۳۸۰) ص ۱۹-۲۰
- ۵- گزارش بررسی وضعیت قاجاق آثار فرهنگی در کشور، قوانین و روش‌های اجرایی. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، کمیته میراث فرهنگی (اسفند ۱۳۸۰) ص ۳
- ۶- بهشتی، محمد. از مرگ میراث فرهنگی یک درصد غصه می‌خورند (مصاحبه). صنعت حمل و نقل (پائیز ۱۳۸۱) ش ۲۱۹، ص ۱۱
- ۷- همان، ص ۱۰
- ۸- همان، ص ۱۲
- ۹- معتضد، خسرو. کیش منزلگه اول. صنعت حمل و نقل (پائیز ۱۳۸۱) ش ۲۱۹ ص ۱۹
- ۱۰- ذرقانی، همایون. لطفاً این فراموشخانه را فراموش نفرمائید. صنعت حمل و نقل (پائیز ۱۳۸۱) ش ۲۱۹ ص ۶
- ۱۱- روزنامه ایران. نامه ۱۸۵ نفر از روزنامه‌نگاران کشور به ریاست محترم جمهوری (۸۲/۲/۲۷)
- ۱۲- روزنامه ایران. ۸۲/۳/۱۷